



۲۰۱۵/۰۲/۰۲

فقير محمد ودان

افغانستان در آزمون ديگرگونی های روان ستراتيژیک

درین روزها از جو وضعیت سیاسی افغانستان و فضای پیرامونی آن، ديگرگونی های گمان برده می شود که در صورت تبارز استعداد و توانایی در سهمگیری جهت مدیریت درست پروسه انکشاف آن، افغانستان از کشور قربانی ستراتيژی های پلان شده قدرت های بزرگ تاثیرگذار، ناگزیر به سوی شریک ستراتيژیکی آنان در منطقه و یا هم در صورت عدم تبارز کفایت، با بلند دستی پاکستان در چنین موقعیتی، به مأمور تطبیق این پروژه - گام بردارد. این ستراتيژی دسترسی به کدام اهداف را در نظر دارد؟.

بر اساس یک سند افشا شده وزارت خارجه ایالات متحده امریکا تحت عنوان «سیاست امریکا در افغانستان: مسابقه ها و راه های حل» که در جولای سال ۱۹۹۹ از جانب مرکز تحقیقاتی ای به نام «افغانستان فونديش» و به وسیله ۶۰ نفر از متخصصین افغانستان شناس، به شمول زلمی خلیل زاد تهیه گردیده، درین زمینه اذعان می دارد که: «افغانستان به ذات دارای موقعیت حیاتی جیو - ستراتيژیک بوده در مجاورت مناطق بحرانی و فاقد استقرار از قبیل خلیج فارس و سرحدات بین هند و پاکستان قرار دارد. در واقع، اهمیت افغانستان در طی سال های آینده هنگامی بیشتر خواهد شد که ذخایر تیل و گاز آسیای میانه که برابر با ذخایر بحر شمال تخمین می شود، رول بزرگ اقتصادی خود را در مارکیٹ انرژی جهان آغاز نماید. افغانستان دهلیز با ارزشی برای این ذخایر انرژی و همچنین برای دسترسی به مارکیٹ های آسیای مرکزی شده می تواند. افزون بر آن افغانستان می تواند نقش ملحق ساختن تجارت بین جنوب آسیا و آسیای میانه را بازی کند» (۱).

مطابق به سند فوق الذکر، ایالات متحده امریکا در رابطه به موقعیت خویش طی پروسه تعمیم ستراتيژی تعریف شده برای افغانستان، معتقد است که: «امریکا باید سعی نماید همکاری منطقوی را از طریق ابتکارات چند جانبه و زعامت مستقیم ایجاد نماید» (ص فحه ۳۵۲). در عین حال همین سند تأکید دارد که: «پاکستان باید بپذیرد که نمی تواند افغانستان را کنترل کند» و درین زمینه روشن می سازد که: «در برابر امتناع احتمالی پاکستان از این روش، امریکا باید... از هر نوع چوب کاری و کوبیدن کار بگیرد تا پاکستان را به اهمیت افغانستان برای امریکا ملتفت گرداند» (۳۵۴) «واشنگتن... باید دولت چین را قانع سازد تا از نفوذ خود بالای پاکستان کار گرفته، پاکستان را وادار سازد تا از حمایت طالبان بکاهد. بیجینگ از نفوذ قابل ملاحظه بی بالای اسلام آباد برخوردار است.» (۱) (۳۵۴) در استقامت پیشنهادات همین سند، اهمیت توجه به افغانستان طی ماه های اخیر به خاطر هم بیشتر گردیده که از یک طرف

فدراتیف روسیه - که با تبدیل افغانستان به «کوریڈور» تعریف شده مخالف است - در برابر انکشافات اوکراین به مخالفت برخاسته و از جانب ديگر جمهوری اسلامی ایران - کشور ديگر مخالف با وضعیت ستراتيژیک تعریف شده به افغانستان - در مذاکرات ائومی با امریکا مقاومت نشان می دهد.

گذار افغانستان به چنین موضعی که می باید پروسه آن از همان آغاز مأموریت حامد کرزی (به تعقیب کنفرانس اول بن رویدست گرفته می شد، از یک طرف بنا بر فقدان درک رهبری سیاسی آن زمان افغانستان از ابعاد این مأموریت و تمایل شخص حامد کرزی به رشد، تشکل و تسلط حلقات مافیایی - جهادی بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور و از جانب ديگر همان طوریکه در سند پیشنهادی ستراتيژیک وزارت خارجه ایالات متحده امریکا پیشبینی گردیده بود، به علت مقاومت «عناصری در اردوی پاکستان، مقامات آی. اس. آی سازمان استخبارات پاکستان، مؤسسات غیر حکومتی و مذهبی پاکستان»، با موانع مواجه گردید. اینک با تضعیف مقاومت ها در پاکستان و ورود «حکومت وحدت ملی» بر سریر قدرت در افغانستان، «ابتکارات چند جانبه» برای دستیابی به تفاهات بین المللی و منطقوی با سفر «حج عمره» رئیس جمهور اشرف غنی آغاز، با سفرهای او به انگلستان، جمهوری مردم چین، پاکستان، قطر، انگلستان، احتمالاً در آینده قریب به هندوستان ادامه یافته و با دستیابی به نتایج نهایی طی سفر او به ایالات متحده امریکا، وارد مرحله فعالتر اجرایی گردد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

همچنان گفته می شود که یکی از اهداف سفر اخیر اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به هند، سفر وزیر داخله پاکستان به ایالات متحده آمریکا، سفر هیئت از اعضای دفتر طالبان در قطر به جمهوری مردم چین و ورود رئیس همین هیئت از قطر به اسلام آباد، همه در محور تفاهات جهت همین دگرگونی ها صورت گرفته اند. مشخصات تبارز تعاملات درونی شکل گیری وضعیت جدید کدام ها اند:

- «قانع» شدن «دولت چین» جهت همکاری و تامین تفاهم با محور عربستان سعودی، قطر و ترکیه درین پروسه.
 - تبارز آمادگی - اگرچه صرف در تعهدات لفظی امیدوار کننده توأم با مانور های مشکوک - رهبران دولتی و بخصوص رهبری نظامی پاکستان جهت همکاری در کشاندن «طالبان» به میز مذاکره با دولت افغانستان.
 - تبارز حسن نیت عملی رهبری افغانستان نسبت به پاکستان با فرستادن گروپ محدود محصلین نظامی جهت تحصیل به پاکستان، امضای قرارداد ارسال محصلین عرصه های غیر نظامی افغانی به پوهنتون لاهور و از همه مهمتر تعلیق قرارداد اکمالات نظامی با دولت هند.
 - تبارز سریع و در حال گسترش گروه های داعش در ولایات مختلف افغانستان به مثابه افزاری در حیطه «ابتکارات چند جانبه»، به هدف «چوبکاری و کوبیدن» نیروهای داخلی و منطقوی بی که «به اهمیت افغانستان برای امریکا ملتفت» نگردیده اند. درین زمینه است که اظهارات رئیس امنیت ملی افغانستان آقای رحمت الله نبیل مبنی بر اینکه: «از نگاه استخباراتی، در افغانستان بر داعش حاکم استیم»، مصداق خویش را تثبیت مینماید.
 - دستیابی و عکس العمل توأم با عصبانیت و ابراز نارضایتی حلقات شاخص مافیایی - جهادی داخلی، نیروی که طی سالهای رهبری حامد کرزی به «به اهمیت افغانستان برای امریکا ملتفت نگردیده» بودند و شواهد نشان میدهند که هنوز هم برخی از آنان بنابر برخی «روابط»، کمتر حاضر خواهند شد تا درین زمینه «ملتفت» شوند.
- دیگرگونی وضعیت سیاسی و آغاز عملی پروسه تلاش برای دستیابی به اهداف تعیین شده، در چگونگی سه اصل ذیل جنجال برانگیز است:

- ۱ - اصل کلی تثبیت افغانستان در جایگاه تعریف شده درین استراتژی. فدراتیف روسیه و جمهوری اسلامی ایران درین زمینه به مخالفت پرداخته و در آینده نیز گمان نمی رود به سادگی و «بدون چوبکاری و کوبیدن» دست از مخالفت بردارند.
- ۲ - زعامت مستقیم ایالات متحده آمریکا در پروسه تحقق استراتژی و استقامت دادن انکشافات درین پروسه به وسیله آن کشور. درین زمینه دولت چین در یک رقابت آرام و خزنده اقتصادی، سیاسی و استخباراتی عمل خواهد نمود. به همین علت است که ایالات متحده آمریکا بخاطر تامین «زعامت» خویش بر مدیریت انکشافات مورد نظر منطقوی، تلاش نموده روابط نزدیک تری با دولت هند - رقیب منطقوی جمهوری چین - ایجاد نماید.
- ۳ - نقش و جایگاه افغانستان بحیث شریک استراتژیک، مسئله دیگر مورد مناقشه است که پاکستان با آن مخالفت نموده، در عوض توأم و تقویت جایگاه خویش را در چنین موقعیتی در نظر داشته و علاقمند است موقف افغانستان را به سطح مأمور اجرایی درین پروسه، تنزیل دهد. جمهوری هند در مخالفت شدید با پاکستان، با تلقی عقب زدن رقیب، مانند ایالات متحده آمریکا از انکشاف و ارتقای نقش افغانستان به مثابه شریک استراتژیک، حمایت خواهد نمود.

تلاش هر یک از نیروهای فوق الذکر بخاطر دستیابی به اهداف و منافع شان درین میدان مبارزه و رقابت است که روند تحقق استراتژی متذکره را هر چه بیشتر پیچیده ساخته و گذار آرام تحقق آن را با خطرات عینی مواجه میسازد. با توجه به همین پیچیدگی و خطرات ناشی از آن است که بیش از همه دراکتیت، کفایت و شجاعت سیاسی کادر رهبری افغانستان را می طلبد تا بخاطر تامین حد اکثر ممکن منافع ملی عمل نمایند. رهبران «حکومت وحدت ملی» ملتفت خواهند بود، که انکشاف اوضاع هسته های احتمالات سوق کشور به اوضاع ذیل را در خود نهفته دارد:

- ۱ - قرار گرفتن افغانستان در جایگاه طبیعی ناشی از اهمیت جغرافیایی - ستراتیژیکی و اقتصادی - ستراتیژیکی خویش به مثابه یک طرف با اهمیت شریک.
 - ۲ - برجسته شدن غیر طبیعی پاکستان در چنین موقعیتی به قیمت عقب نشاندن افغانستان در موقعیت مأمور اجرایی.
 - ۳ - کشاندن و سوق افغانستان بسوی موج دیگر و شدید تر یک بحران یک بحران دیگر توأم با خونریزی ها، ویرانی ها تا سطح خطر صدمات جدی به وحدت ملی و حتی تمامیت ارضی کشور.
- انکشاف بعدی اوضاع نشان خواهد داد که آیا رهبری «حکومت وحدت ملی» می تواند چنین توانایی را تبارز دهد تا کشور را در جایگاه طبیعی آن قرار دهد؟

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنالین په درننبت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ